

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۳ فبروری ۲۰۱۹

بابت مرگ "صبغة الله مجددی" چه کسانی را باید سرسلامتی داد؟؟

سه شنبه - ۲۳ دلو ۱۳۹۷ - کابل: از طریق رسانه های داخلی و بین المللی مطلع شدیم که "صبغة الله مجددی" یک تن از رهبران جهادی مقیم پاکستان که نقش محلل را بین بازماندگان نوکران روس و ایادی خود فروخته "آی اس آی" ایفاء نمود، به عمر ۹۳ سالگی وفات یافت. یادداشت امروز را به مشوره و کمک یکی از استادانم به دادن سرسلامتی به کسانی اختصاص می دهیم که مستقیم و یا غیر مستقیم از مرگ این تجسم کامل ارتجاع هار مذهبی و پیوند نامقدس ارتجاع و امپریالیسم متأثر و احتمالاً خساره مند می گردند:

۱- نخستین کس و نهادی را که می باید به نمایندگی از دولتس تسلیمت گفت، "ترزومی" صدر اعظم انگستان و استخبارات خارجی انگلیس "MI6" می باشد. مرگ دیر هنگام این جاسوس کهنه کار با آن که فرصت زمانی کافی برای استعمار انگلیس و استخبارات آن کشور فراهم نمود تا جانشینان لایق و سرسپرده ای را در خدمت پادشاهی انگلستان تربیت دارند تا جایی که حتا ممکن است از لحاظ عملی کمبود وی اصلاً احساس نگردد، مگر به حساب سابقه خدمت به استخبارات انگلیس، وفاداری مطلق به حفظ منافع انگلیس و ایجاد یک شبکه وسیع از جواسیس در خدمت انگلیس، مرگ وی برای دولت انگلستان ماتمیست بس بزرگ. ماتمی که اگر برای امپریاتوری خدعه و جنایت انگلیس در اساس اجازت می بود تا برای یک مزدور و نوکر حیثیت برگزاری و یا شرکت در مراسم تدفین انجام دهند، مطمئناً کس و یا کسانی از جانب "دولت فخمه انگلیس" در مراسم تدفین وی شرکت می نمود.

۲- به دومین مرجعی که می باید از صمیم قلب "بی برادر"ی و "بی پدر" شدن" شان را تسلیمت گفت، اخوان بین المللی و نوچه های اخوانی آنها در افغانستان است. چه به استناد و به گواهی تاریخ معاصر افغانستان، "صبغة الله مجددی" در عصر حاضر در افغانستان نخستین کسی بود که با استفاده ابزاری از اسلام سنگ تهداب اسلام سیاسی و اخوانیت را در افغانستان گذاشته، حین آمدن "خروسچف" به افغانستان در ۱۹۵۴ میلادی آن را رسماً اعلام داشت. با مرگ "صبغة الله مجددی"، هرچند در افغانستان دنباله روانش مانند دارودسته "گلبدین" و دارودسته جمعیت /شورای نظار از دهه ها بدین سو در شقاوت و عقب گرانی نه تنها جای وی را اشغال نموده اند بلکه از وی پیشی نیز گرفته اند، مگر در سطح بین المللی و اعتبار جهانی در "جهان اخوانیت" کمبود وی کاملاً محسوس باقی خواهد ماند.

۳- طیف دیگری که می باید به آنها تسلیمت گفت، شعبات مختلف استخباراتی-امنیتی پاکستان از جنرالان اردوی آن کشور گرفته تا ترافیک روی سرک در جمهوری اسلامی پاکستان است. "صبغة الله مجددی" نظر محبت و علاقه ای که

به پاکستان و پاکستانی داشت با سخاوت بی نظیر از هر آنچه عرب و عجم برای پناهندگان افغان در پاکستان در اختیارش قرار می دادند، ده چند به برادران پاکستانی پرداخته، همیشه حاضر بود افغان را گرسنه و بیمار ببیند مگر قلب مهربانش به وی اجازه نمی داد تا برادران پاکستانی اش به خصوص اگر در خدمت یک نهاد امنیتی-استخباراتی قرار می داشتند، مشکلی را احساس نماید.

۴- "سیا" و سایر نهاد های امنیتی-استخباراتی امپریالیسم امریکا، آدرس دیگریست که می باید مرگ این نوکر گوش به فرمان، وقیح و خودفروخته را به آنها تسلیت گفت. زیرا اگر تا قبل از انعقاد لویه جرگه اخیر به ارتباط تأیید توافقنامه ستراتیژیک با امریکا، نزد کسی شک و شبهه ای هم وجود داشت که شاید "صبغةالله مجددی" آن قدر وقیح و پست نباشد که از پشت تربیون و به صورت علنی، بر انقیاد طلبی مهر تأیید بگذارد، جریانان آنروز و تهدید "کرزی" که اگر امضاء نکند از افغانستان خواهد رفت، تمام شبهات را برطرف نموده، به همه ثابت ساخت که بی آزمترین و وقیح ترین جاسوس شخص "صبغةالله مجددی" می باشد.

۵- کسان دیگری که مستحق اند انسان به ایشان تسلیت بگویند، آنهایی اند که روابط استخباراتی شان با استعمار در سطوح پائینتر از "صبغةالله مجددی" قرار داشت و نمی توانستند در اسرع وقت از تصامیم استعمار در مورد خودشان مطلع گردند و از همین رو زیر نام "استخاره" از این جاسوس کهنه کار مدد می جستند. وی نیز اراده استعمار را زیر نام استخاره به طرف انتقال می داد و به اصطلاح با یک تیر دو نشان می زد، هم روابط استعماری را تنظیم می کرد و هم مردم را با ریسمان مزخرفات محکمتر می بست.

۶- غم شریکهای "صبغةالله مجددی" به ۴ طیف بالا محدود نمانده، بلکه قشر وسیع دیگری را نیز شامل می گردد که در ادبیات فعلی افغانستان به جنگسالاران، خابنان به کشور و مردم، انقیاد طالبان علنی و مخفی، جواسیس، دزدان، قطاع الطریقان، رشوتخوران و مختلسان دارائی های عامه خلاصه کلام هرچه انسان پست و بیشراف است، از مرگ وی خساره مند گردیده، جای دارد به همه آنها از صمیم قلب تسلیت عرض کرد.

هموطنان گرامی!

هرچند از این که این جرثومه فساد و تجسم ننگ بدون محاکمه و پاسخگوئی در پیشگاه مردم به مرگ طبیعی، مرده است، متأثر هستید و حق هم دارید با آنهم پیشنهاد می نمایم که تأثر و ماتم تان را به نیروی کار افشاگرانه مبدل نموده به تناسب شدت تأثر، جنایات و خیانت های این کتله فساد را افشاء نمایید.

با افشای جنایات و خیانت های تمام دشمنان مردم، وظایف ما را در پیشگاه تاریخ انجام بدهیم!